پیشخوان

نظر وگذری بر «برگ‌های خواندنی» داریوش اسدزاده

گزینش‌هایی از فرهنگ و سیاست معاصر ایران

■ نیما احمدپور

داریوش اسدزاده از جمله چهره‌هایی است که علاوه بر قدمت و تکاپوی دیرین در دو عرصه تئاتر و سینما، علایق «تاریخ پژوهی» نیز دارد. کسانی که به منزل مسکونی او راه یافته‌اند و کتابخانه بزرگ شخصی او و نیز ساعاتی که او در سن ۹۴ سالگی دیده‌اند، جملگی تصدیق کننده این مدعایند. از او طی این چند سال، عناوینی کتاب در باره تاریخ تئاتر، تاریخ هنر نمایش و تاریخ معاصر ایران منتشر شده که مورد استقبال علاقه‌مندان قرار گرفته است. اثری که در این یادداشت مجمل درپی معرفی آن هستیم، یکی از همین دست آثار تاریخی اسدزاده است که جستارهایی در تاریخ معاصر ایران را پی می‌گیرد و «برگ‌های خواندنی» نام دارد. او در این اثر تکه‌هایی از تاریخ معاصر را جدا و خواننده را با آن آشنا کرده است. از مؤلف در دیباچه کوتاه برگ‌های خواندنی با ذکر این بیت که:

حافظ سخن بگو که در صفحه جهان
این نقش ماند از قلمت یادگار عمر

آورده است:

«به نام آن که هستی نام از او یافت

پس از شکر و ثنای خداوند متعال که آفریدگار جهانیان است و درود بر محمد مصطفی(ص) که خاتم پیغمبران است و با مطالعه حالات گذشتگان که گنجینه‌ای بر اصحاب فضل به نقل نوادر که مجموعه‌ای است در باره حالات، رفتار و گفتار از وقایع گذشته که پایگاه پرارج‌ترین و گرانبهاترین شناخت بشری که نقدها را عیار می‌بخشد و آینه‌ها را پاک و روشن می‌سازد و نیک‌اندیشان، درستکاران و پرچمداران را به آسمان برمی‌افروزد و تمدن و فرهنگ شکوهمند ایران اسلامی که یکی از باشکوه‌ترین تمدن‌های انسانی است بر روند پربرکت و سبزتر یادآور می‌شود که برای تاریخ و فرهنگ ایران منبع ارزنده‌است که باعث روشنگری

داریوش اسدزاده در کتابخانه شخصی

آیندگان، عبرتی از نادانی‌ها و ناکامی‌هاست.»

اسدزاده دریکی از این برگ‌های خواندنی نکته‌ای آورده است تحت عنوان «اظهار عقیده دکتر باستانی پاریزی راجع به هم‌ولایتی خود خواجوی کرمانی.» می‌دانیم که خواجو و باستانی هردو اهل کرمانند و همین موجب داوری نامأنوس باستانی درباره حافظ شده است. داستان از این قرار است که مرحوم باستانی با سرودن قطعه شعری و به رغم بی‌ادعایی خواجوی کرمانی دربرابر خواجه شیراز، همشهری خود را از حافظ برتر دانسته است. تفصیل داستان دریکی از برگ‌ها، اینگونه آمده است:

«در آثار تاریخی شیراز بعد از نمای دروازه قرآن در تنگ الله‌اکبر به قبر خواجوی کرمانی برمی‌خوریم که در آنجا دفن شده و تن خواجوی کرمانی به شیراز به تنگ افتاده است. الله‌اکبر گرچه خواجو در برابر سعدی و حافظ به قول باستانی پاریزی ادعایی ندارد و به ظواهر اهمیتی نمی‌دهد یا همانطور که خودش گفته است:

پیش صاحب‌نظران ملک سلیمان باد است
بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است
اینک گویند که بر آب نهاده است جهان
مشنوای خواجو که بنیان جهان بر باد است
دل بر این پیره‌زن عشوه‌گر دهر مبند
کاین عروس است که در عقد دو صد داماد است

و بعد حافظ بیان نکته را از او گرفته و گفته است:

مجو دوستی عهد از جهان سست‌نهاد
که این عجوزه عروس هزار داماد است

و دکتر باستانی پاریزی غزل خواجو را از حافظ برتر می‌داند و شاید خواسته است حق همشهری گری به‌جا آورد. البته خود حافظ هم گفته است:

استاد غزل سعدی است پیش همه کس اما
داد سخن حافظ طرز سخن خواجو »

مطالعه این اثر شیرین تاریخی می‌تواند علاقه‌مندان را با زوایایی مغفول از تاریخ کشور آشنا کند و البته ایشان را به دست اندازها و دشواری‌های فهم تاریخ سوق ندهد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۴۹۸۴۷۳

۱۳۵۷. هیئت رسیدگی به اعتصابات در سفر به خوزستان، در تصویر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مهندس مهدی بازرگان، مصطفی کتیرایی و هاشم صباغیان دیده می‌شوند

گذری بر زمانه و کارنامه «کمیته مدیریت اعتصابات» دردوران اوج‌گیری انقلاب اسلامی

تولد کمیته‌های انقلاب از دل نیروهای مردمی

■ احمدرضا صدری

مقالی که پیش‌روی شماست، به روایت و تحلیل یکی از رویدادهای شاخص تاریخ انقلاب می‌پردازد که همانا پایه‌گذاری نهاد «کمیته انقلاب اسلامی» است که درسالیان اولیه تأسیس نظام، درسپهر سیاسی و اجتماعی کشور نقشی مهم و درخور توجه ایفا نمود. پیدایش این نهاد، ریشه در شرایط و فعل و انفعالات سیاسی - اقتصادی میانه سال ۱۳۵۷ دارد که در این مقال بدان پرداخته شده است. امید آنکه تاریخ پژوهان را مفید افتد.

■■■

دردوران پیش از اوج‌گیری انقلاب اسلامی وبه طور مشخص ۲۵ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، به طور نادر اعتصاباتی در کشور اتفاق افتاده بود و ساواک و شهربانی به شدت با آن برخورد کرده بودند. به طور خلاصه در جزیره ثبات جایی برای اعتصاب، که سمبل نارضایتی و آشوب تلقی می‌گردید، وجود نداشت.

■ **آغاز یک روزهای شهریور ۱۳۵۷، طلیعه اعتصابات**

اولین طلیعه اعتصاب از اوایل شهریور ۱۳۵۷ آغاز شد. اعتصابات گسترده نشان می‌داد که هیئت حاکمه ضعیف و مخالفان بسیار قدرتمند شده‌اند؛ چراکه کارکنان کارخانه‌ها و ادارات افرادی شناخته شده و دارای شغلی معین و درآمدی مستمر هستند که وابستگی‌های فراوانی به کار خود دارند و نوعاً محافظه‌کار هستند، لذا به جنبش در آوردن چنین افرادی دشوار است. در مقابل، راهپیمایی‌ها و تظاهرات «رفتار جمعی» گذراست که شناسایی عاملان آن دشوار بوده و شرکت کنندگان قید و تعهدی برای تجمع بعدی ندارند، بنابراین اعتصاب در رژیم پهلوی نشانه اوج بحران و رسیدن امواج انقلاب به ارکان اساسی حکومت است. راهپیمایی و تظاهرات خونین ۱۷ شهریور، که ضربه سنگینی برای مردم و انقلابیون بود، به جای آنکه انقلاب را متوقف نماید آن را شتاب بخشید و مردم بلافاصله قهر خود را به صورت بروز و گسترش اعتصابات نشان دادند. در اینجا صنعت نفت پیشتاز بود. در نوزدهم شهریورماه نیز کارکنان پالایشگاه تهران اعتصاب کردند. به تدریج، اعتصاب به مناطق نفتی جنوب و پالایشگاه آبادان کشیده شد و موضوع جدی‌تر شد. ریشه اصلی تحریک اعتصابیون آبادان، حادثه سینما رکس آبادان است. در جریان به آتش کشیدن این مکان در ۲۸ مرداد، ۱۱ نفر از کارکنان صنعت نفت آبادان قربانی شدند و انگشت اتهام مردم به سوی حکومت نشانه رفت. براساس اسناد منتشر شده از سوی دانشجویان پیرو خط امام، سولیوان، سفیر امریکا در ایران، از ابتدای اعتصابات صنعت نفت، گزارش آن را به طور مستقیم و مجزا به امریکا ارسال می‌کرد که این امر نشان‌دهنده اهمیت زیاد نفت در روابط دو کشور است.

با آغاز ماه محرم‌الحرام به طور کلی جنبش انقلابی ایران و به تبع آن اعتصابات، موج بلندتری یافت. در گزارش سیزدهم آذر سفارت امریکا، این مطلب به چشم می‌خورد: «وضعیت کارگری حوزه‌های نفتی ایران همچنان وخیم‌تر می‌شود... کلیه منابع ما گزارش می‌کنند که از سرگیری اعتصابات در بخش نفت منحصراً به دعوت [امام] خمینی نسبت داشته و حتی یک نمونه مشهود از منطق اقتصادی در آن وجود ندارد. ... ما انتظار داریم وضعیت حداقل در خلال چند روز آینده بهتر شود.»

در گزارش بیست‌ویکم آذر سفارت امریکا نیز چنین آمده است: «اعتصابات فعلی کارکنان اسکو به نحو قابل ملاحظه‌ای از اوایل نوامبر گسترده‌تر است... یکی از مقامات ارشد اسکو به ما گفت: اعتصابیون اظهار داشته‌اند هیچ گونه شکایتی از شرکت ندارند، بلکه اعتصاب، یک مسئله ایدئولوژیک است.»

■ **آغاز اعتصاب کارکنان شرکت نفت**

سرانجام روز ششم دی ماه صادرات نفت به کلی متوقف شد و فقط در حد نیازهای داخلی و به میزان روزانه چند صد هزار بشکه تولید می‌شد. با قطع کامل صادرات نفت، شاه از اصلی‌ترین منبع قدرت خود محروم شد و سقوط او سریع تشدید گردید. در بحبوحه انقلاب، که دامنه اعتصاب‌ها گسترش یافته بود، عده‌ای از انقلابیون به این نتیجه رسیدند که اگر وضع به این طریق پیش برود مردم نیز دچار زحمت و زیان خواهندشد؛ چراکه تأمین بخشی از مایحتاج مردم مانند سوخت زمستان، آب‌آشامیدنی، حمل و نقل شهری و بین شهری و خدمات بیمارستانی، در پی گسترش اعتصابات با مشکل روبه‌رو می‌شد. از این رو، لازم بود اعتصابات به گونه‌ای سازماندهی شود که مردم کمتر دچار مشکل شوند، لذا امام دستور تشکیل کمیته تنظیم اعتصابات انقلاب اسلامی را صادر کردند. دکتر یدالله سحابی که از سوی امام خمینی(ره) برای تشکیل کمیته تنظیم اعتصابات انتخاب شده بود، درباره نحوه تشکیل این کمیته می‌گوید:

«در حین توسعه اعتصابات و خصوصاً با بروز مظاهر خشونت‌آمیز آن، این فکر پدید آمد که موضوع اعتصابات هر چند عامل مؤثری برای از کار انداختن یا حداقل تضعیف نیروی اجرایی دولت است، اما اگر بدون هدف حساب شده و غیرمنطقی باشد و در توسعه آن مراقبت لازم به عمل نیاید، اثرهای زیان‌بخشی در ایجاد عسرت عمومی و به هدر رفتن اموال عمومی و جلوگیری از تحرک ملی و ایجاد افکار ضد انقلابی خواهد داشت. مثلاً با توسعه بی‌رویه اعتصابات، در تخلیه بارهای تجارتی در بند و خصوصاً گندم و مواد غذایی و توقف نیروهای حمل و نقل و شبکه‌های توزیع، بر عسرت عمومی افزوده خواهد شد و با تحریک بدخواهان، افکار ضدانقلابی رو به توسعه خواهد گذاشت و اشکالات و موانع تازه‌ای را برای ادامه منطقی اعتصابات (در صورتی که پایداری در اعتصابات لازم باشد) ایجاد خواهد نمود. با مطالعه و بررسی چگونگی مسئله مذکور، بالاخره مصلحت دیده شد که کمیته‌ای مرکب از افراد بصیر ، مؤثر و مؤمن به انقلاب تشکیل شود که حسن جریان اعتصابات را در سطح کشور زیر نظر بگیرد و در تعدیل و تنظیم اعتصابات هم در جهت پیشبرد انقلاب و هم در جلوگیری از زیان‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به پیشرفت انقلاب و به ثمر رسانیدن آن مجاهدت لازم را بنماید. نتیجه این بررسی به وسیله آقای مهندس بازرگان در تهران و با واسطه آقای دکتر یزدی در پاریس به استحضار امام رسید و ایشان پس از تصویب، اجازه تشکیل چنین کمیته‌ای را دادند و افراد اصلی آن را نیز معین نمودند و بدین ترتیب کمیته تنظیم اعتصابات انقلاب اسلامی، مقارن رفتن شاه از ایران شروع به کار نمود.»

آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی اولین رئیس کمیته‌های انقلاب اسلامی

> **در شرایطی که با یک ناامنی ساده می‌شد انقلاب را واژگون کرد و جلوی رشد انقلاب را گرفت، مرحوم شهید مطهری(ره)، خدمت حضرت امام(رضوان‌الله تعالی علیه) عرض کرد که الان وقت آن است که یک نهاد مسلحی تحت فرماندهی روحانیت تشکیل بدهیم و کسی که برای تأسیس این نهاد خوب است، آقای مهدوی کنی است»**

■ **شکستن محدود اعتصاب کارکنان شرکت نفت**

اما یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اقدامات امام خمینی، هنگام اقامت در فرانسه، شکستن محدود اعتصاب کارکنان شرکت نفت بود. این اقدام کارایی انقلابیون را در کنترل امور کشور به خوبی نشان داد؛ چراکه نفت تنها مصرف صادراتی نداشت، بلکه یکی از ضروری‌ترین مایحتاج مردم به ویژه در فصل زمستان بود. اگر اعتصاب کارکنان شرکت نفت ادامه می‌یافت، میزان تولید نفت به صفر می‌رسید و مردم از نظر سوخت در تنگنا قرار می‌گرفتند. برای رفع این مشکل، امام خمینی طی حکمی مهندس بازرگان را مأمور کردند با سفر به خوزستان بر اعتصاب کارگران شرکت نفت نظارت نماید تا نفت به اندازه نیاز کشور تولید شود و مردم به زحمت نیفتند. مهندس مهدی بازرگان درباره فلسفه تشکیل این کمیته و اینکه در چه شرایطی تشکیل شد، می‌نویسد:

« پس از آنکه به دستور امام خمینی، اعتصاب کارگران در سراسر مملکت، خصوصاً در شرکت نفت پیش آمد، به عنوان وسیله‌ای برنده و حربه‌ای قاطع علیه شاه و دستگاه حاکم به کار گرفته شد. اعتصابات اثر مفیدی بخشید، یعنی دستگاه را متزلزل کرد ولی برای مردم هم ناراحتی پیش آورد. زمستان بود. با محروم شدن مردم از نفت و بنزین حتی بیم آن می‌رفت که نانوایی‌ها هم تعطیل شوند و مردم نان نداشته باشند. خلاصه حالت وحشتی به وجود آمده بود و دستگاه تمایل داشت که بیشتر به این حالت وحشت دامن بزند و آتش‌بیار معرکه باشد و از این طریق فشار و ناراحتی علیه مبارزان و آقای خمینی ایجاد کند. البته چپی‌ها هم به این حالت وحشت دامن می‌زدند و می‌خواستند که چنین وضعیتی پیش آید. بنابراین، این مسئله مطرح بود که چه کنیم که اعتصاب باشد، یعنی گلوی شاه با اعتصاب کارگران شرکت نفت و عدم صدور نفت و تقلیل عایدات دولت در دست ملت، سفت و محکم باقی بماند ولی مردم رنج نبرند.»

> **یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اقدامات امام خمینی، هنگام اقامت در فرانسه، شکستن محدود اعتصاب کارکنان شرکت نفت بود. این اقدام کارایی انقلابیون را در کنترل امور کشور به خوبی نشان داد؛ چراکه نفت تنها مصرف صادراتی نداشت، بلکه یکی از ضروری‌ترین مایحتاج مردم به ویژه در فصل زمستان بود. اگر اعتصاب کارکنان شرکت نفت ادامه می‌یافت، میزان تولید نفت به صفر می‌رسید و مردم از نظر سوخت در تنگنا قرار می‌گرفتند**

■ **تجربه تنظیم اعتصابات در دیگر کشورهای انقلابی**

از آنجا با بروز انقلاب، ساختارهای امنیتی و انتظامی رژیم سابق فرو می‌شکند، لذا برای حفظ امنیت عمومی و رفع نیازهای مردم و بر طرف ساختن مشکلات ناشی از عوارض انقلاب و احیاناً دفاع از انقلاب در برابر تهدیدات، نیاز به ایجاد نهادهای خودجوش و شبه‌نظامی از درون مردم احساس می‌شود؛ نهادهایی که از متن مردم تشکیل یافته و وظیفه مراقبت و پاسداری از انقلاب را در شرایط بحرانی کشور عهده‌دار هستند. این تجربه در انقلاب‌های مختلف دنیا از جمله انقلاب فرانسه و کوبا نیز مصداق دارد و نگاهی به تاریخچه آنها این مسئله را ملموس‌تر می‌نماید.

در کوبا پس از مبارزات گسترده مردم انقلابی علیه استثمارگری امریکایی‌ها، فیدل کاسترو نیروی چریکی کوچکی در مکزیک تشکیل داد که اعضای آن ۸۲ نفر بودند و در اواخر سال ۱۹۵۶ وارد کوبا شدند، اما به زودی توسط نیروی هوایی باتیستا شناسایی شده و مورد حمله ارتش قرار گرفتند؛ تنها ۲۲ نفر زنده ماندند که ۱۰ نفری از نیروی هوایی و ۱۲ نفر دیگر از جمله کاسترو توانستند فرار کنند و گروه چریکی جدیدی را تشکیل دهند. نیروهای کوچک چریکی مردمی که تعداد نفرات آنها هیچ‌گاه بیش از ۲ هزار نفر نبود، در برابر تجاوز ارتش ۴۰ هزار نفری و نیروی‌هوایی قرار گرفته بودند. اما با وجود این انقلاب پیروز شد و کمیته‌های مردمی، خلقی و شبه نظامی به عنوان حافظان انقلاب تشکیل و گسترش یافتند. شایان توجه است که امروزه، هنوز پس از گذشت سال‌های طولانی، کمیته‌های مردمی کوبا همچنان مستقر و پا بر جا هستند و نقش مهمی در تأمین امنیت آن کشور ایفا می‌کنند.

> **در کشور ما پس از پیروزی انقلاب و با تدبیر حضرت امام خمینی(ره) این کمیته‌ها تشکیل شد. در واقع، حضرت امام برای حفاظت از امنیت داخلی جمهوری اسلامی و برای دفاع در برابر تهدیدات خارجی و برون مرزی این کمیته را بنیان نهادند، زیرا در تجربه انقلاب ناکام مشروطه، آسیب ناشی از ضعف یا خلأ چنین کمیته‌های مردمی و شبه‌نظامی به خوبی ملموس بود**

■ **تجربه کمیته‌ها در دوران انقلاب مشروطیت ایران**

در کشور ما پس از پیروزی انقلاب و با تدبیر حضرت امام خمینی(ره) این کمیته‌ها تشکیل شد. در واقع، حضرت امام برای حفاظت از امنیت داخلی جمهوری اسلامی و برای دفاع در برابر تهدیدات خارجی و برون مرزی این کمیته را بنیان نهادند، زیرا در تجربه انقلاب ناکام مشروطه، آسیب ناشی از ضعف یا خلأ چنین کمیته‌های مردمی و شبه‌نظامی به خوبی ملموس بود که بعدها به ظهور و قدرت یافتن عناصر استبدادی دوره محمدعلی شاه مانند محمدولی تنکابنی به عنوان رئیس پلیس و رئیس نیروهای مسلح پس از فتح تهران انجامید. در انقلاب مشروطیت ایران، نهادهایی شبه‌نظامی و انتظامی در قالب کمیته‌های انقلاب به وجود آمد که مهم‌ترین آنها کمیته انقلابیون متشکل شده در باغ میکده تهران بود که اعضای آن عبارت بودند از: سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، ملک‌المتکلمین و دولت‌آبادی که با نظر سه روحانی برجسته یعنی آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی، آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری شب‌نامه‌هایی را منتشر می‌کردند. متعاقب انقلاب مشروطیت ایران، کمیته‌های مردمی انقلاب در تهران و به ویژه در شهر تبریز تشکیل گردید که در شهر تبریز به نام مجاهدان تبریزی به فرماندهی ستارخان و باقرخان به فعالیت انقلابی پرداختند. ستارخان و باقرخان و نیروهای آنان در تصرف شهر تهران در دوران استبداد صغیر(محمدعلی شاه)نقش اساسی داشتند. نفوذ عناصر مشکوک و بعضاً وابسته به سیاست‌های انگلستان در انقلاب مشروطیت باعث انحراف آن از مسیر اصلی و مردمی آن شد و در نتیجه شخصیت‌هایی نظیر آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی ترور و سپس آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری اعدام و کسانی مانند ستارخان و باقرخان نیز خانه‌نشین گردیدند و نهادهای مردمی نظیر کمیته‌های انقلاب، امکان استمرار حیات را نیافتند. در واقع انقلاب مشروطیت به دلیل فقدان رهبری منسجم و یکپارچه و نفوذ عناصر غربزده و متمایل به انگلستان و جدا شدن رهبران از توده‌های مردم، نتوانست به اهداف اصلی خود دست یابد. برای درک ضرورت ایجاد کمیته‌های انقلاب اسلامی، توجه به مطالب ذکر شده درباره انقلاب مشروطیت و نگاهی گذرا به شرایط انقلابی ایران در ماه‌های پایانی سال ۱۳۵۷ و ابتدای سال ۱۳۵۸ کافی است.

■ **ضرورت تشکیل سراسری کمیته‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی**

تعطیلی بسیاری از اداره‌ها و سازمان‌ها از جمله سازمان‌های امنیتی و انتظامی، احتمال کودتای نظامی، قدرت گرفتن گروه‌های ضدانقلاب در تهران و برخی استان‌ها، اعلام استقلال و خودمختاری در برخی نقاط مرزی، تهدیدات خارجی و... گوشه‌ای از این دشواری‌ها و بحران‌هاست. آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی در این باره چنین می‌گویند:

«انقلاب پیروز شده است، نه دولت دارد، نه مجلس، نه تشکیلات، نه یک الف قانون برای اداره جامعه انقلابی. از آن طرف هم تمام جریان‌های ضددین و الحاوی یا التقاطی بسیج شده‌اند و به اسم جریان‌های انقلابی، با انقلاب اسلامی مبارزه می‌کنند و از سوی دیگر، بازماندگان رژیم [سابق] به اسم حفظ تاج و تخت به جان این نظام افتاده‌اند. در چنین شرایطی که با یک ناامنی ساده می‌شود انقلاب را واژگون کرد و جلوی رشد انقلاب را گرفت، مرحوم شهید مطهری(ره)، خدمت حضرت امام(رضوان‌الله تعالی علیه) عرض کرد که الان وقت آن است که یک نهاد مسلحی تحت فرماندهی روحانیت تشکیل بدهیم و کسی که برای تأسیس این نهاد خوب است، آقای مهدوی کنی است».

حضرت امام نیز اولین حکم انتصاب را به آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی صادر فرمودند. تهدیداتی که ضرورت ایجاد کمیته انقلاب اسلامی را ایجاب می‌کرد، می‌توان بدین ترتیب برشمرد:

۱ـ تهدیداتی که از ناحیه عناصر رژیم احساس می‌شد: بعضی از عناصر ارتش و... که به حکومت پهلوی وفادار بودند، مترصد فرصتی بودند تا کودتایی را در کشور سازماندهی کنند.

۲ـ گروهک‌ها: دومین تهدید از سوی گروهک‌ها و جناح‌های سیاسی غیر مسلمان(با ایدئولوژی غیر اسلامی یا التقاطی) بود. گروه‌هایی مانند چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق، سازمان پیکار، حزب دموکرات و... با خط امام تقابل داشتند و بعدها نقش مخرب خود را در حوادث خلق ترکمن و خلق کرد در کردستان، حزب دموکرات و گروه‌هایی که هوادار عزالدین حسینی بودند، در جنوب سازمان خلق عرب و در بلوچستان سازمان خلق بلوچ(که عمدتاً از سوی گروه‌های چپ مارکسیستی حمایت می‌شدند) تنش‌ها و مشکلاتی را برای انقلاب پدید می‌آوردند.

۳ـ تهدیدات خارجی: سومین خطر، تهدید خارجی بود، به ویژه امریکا و رژیم‌هایی که در منطقه حضور داشتند و پیروزی انقلاب اسلامی برایشان خوشایند نبود. (مانند رژیم بعث عراق).

۴ـ بی‌نظمی اداری و بحران ساختاری: بحث دیگری که آن ایام مطرح بود، درهم ریختگی و زوال ساختارهای مختلف رژیم پیشین بود. بخش اقتصاد در هم ریخته، کارخانه‌ها تعطیل شده و کارگرها دست از کار کشیده بودند. سرمایه‌دارها و عناصر متعلق به رژیم پیشین، فرار کرده و بخش‌های اقتصادی و تولیدی دچار مشکل شده بودند. بخش‌های امنیتی و ارتش در تحیر بودند و هنوز نمی‌دانستند که می‌شود به آنها اعتماد کرد یا نه؟ در میان این نیروها، عناصری بودند که نسبت به رژیم پهلوی وابستگی و تعصب داشتند. ساختارهای فرهنگی هم دچار مشکل شده بودند. در دانشگاه‌ها هم درهم ریختگی بود. همانگونه که «مون درک» در کتاب گفتارهایش می‌گوید: «انقلابیون تجربه کارهای اجرایی و حکومتداری را ندارند، وقتی هم که روی کار می‌آیند، در بخش‌های مدیریتی دچار مشکل می‌شوند.» بنابراین شرایط از جهت اداری و مدیریتی دچار تشتت و تنش بود. مجموعه این شرایط سبب شده بود که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی یک نیروی مردمی شبه‌نظامی متعلق به خود انقلاب، از درون مردم و مورد اعتماد امام به نام «کمیته‌های موقت انقلاب اسلامی» ایجاد شود. نگاهی به این موارد و شرایط نشان می‌دهد که عدم ایجاد کمیته در اوان پیروزی انقلاب اسلامی می‌توانست چه آثار زیانباری را برای انقلاب و کشور به دنبال داشته باشد و حتی به عقیم ماندن تمام تلاش‌ها و مجاهدت‌های ملت ایران بینجامد.